



Journal of Islamic Propagation

Volume 2 ● No 5 ● Spring & Summer 2021

An Examination of Infection Tradition in the Qur'an

Sayyid Ali Akbar Hosseini Ramandi*

Abstract

The spread of corona disease has faced the human society with difficult problems. Unfortunately, many people around the world lost their lives and many businesses failed due to the closure of public centers. Anyway, this disease caused a lot of human, financial and emotional losses to the human society and caused doubts in the minds. This paper tries to examine and analyze this disaster from the Qur'anic point of view.

Keywords

Disaster, infection, tradition, the Qur'an.

* Faculty member of Islamic Sciences and Culture Academy; hoseyni13@gmail.com.



بازخوانی سنت ابتلا در قرآن

سید علی اکبر حسینی رامندی*

چکیده

شیوع بیماری کرونا جامعه انسانی را با مشکلاتی سخت مواجه کرد. متأسفانه عده زیادی از مردم در سراسر دنیا جان خود را از دست دادند و بسیاری از کسب و کارها به دلیل تعطیلی مراکز عمومی از رونق افتاد. به هر حال این بیماری ضررهای جانی، مالی و عاطفی زیادی را به جامعه انسانی وارد کرد و موجب بروز شبهاتی در اذهان گردید. این نوشتار می‌کوشد این رخداد را از منظر قرآنی بررسی و تحلیل کند.

کلیدواژگان: بلا، ابتلا، سنت، قرآن.

مقدمه

بیماری کرونا و شتاب شیوع آن در سراسر جهان، آثار گوناگونی در زندگی تمامی انسان‌ها داشته است. تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها و بسیاری از سازمان‌ها و مشاغل، مراسم مذهبی، مانند: نماز جمعه، جماعت و هیئت‌ها، نمونه‌هایی از این پیامدهاست. بایسته است این رخداد، از منظرهای: دینی، روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بررسی و تحلیل شود. در این میان، برخی وظیفه عالمان دینی را در تبیین و تحلیل این رخداد مدار توجه قرار داده و انتظار دارند علمای دینی و فقیهان، چستی، چرایی، هدف و چگونگی مواجهه با این حادثه را بر اساس آموزه‌های دینی تبیین کنند. گروهی دین‌ستیز، این شرایط بحرانی را فرصتی برای یورش دوباره به باورهای مذهبی و ناکارآمدی اندیشه دینی و نیز ناکارآمدی نظام اسلامی ایران در مدیریت سیاسی دانسته و با برنامه‌ریزی گسترده و با کمک رسانه‌های نوین، اتهام‌زنی علیه باورهای دینی را گسترش می‌دهند. برخی تحلیل‌گران نیز شیوع کرونا را اقدامی آگاهانه از سوی نظام سلطه جهانی و طلیعه تحولی عظیم در مدیریت جهان معاصر می‌دانند.

تحلیل دینی و قرآنی تردیدناپذیر آن است که این ویروس، نمونه‌ای از سنت ابتلاست. سنت ابتلا یا سنت آزمایش، از سنت‌های مطلق الهی و از اهداف اساسی آفرینش انسان است؛ «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (ملک، آیه ۲)؛ همان‌که مرگ و زندگی را [برای شما آرمیان] پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید.» قرآن، فلسفه سنت ابتلا را آشکار شدن باطن انسان و تعیین میزان پابندی عملی به عقیده توحیدی و لوازم آن می‌داند. از منظر قرآن، ابتلا، به سختی‌های زندگی محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل همه رخداد‌های خیر و شر نیز می‌شود: «و نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً.» اما براساس باوری رایج، بسیاری از مؤمنان آن را به حوادث سخت، مشکلات و مصیبت‌ها محدود می‌دانند. در قرآن، به این باور نادرست اشاره شده است: «وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ» (فجر، آیه ۱۶). برخی در لحظه‌های آرامش، امنیت و شادمانی، از این سنت غافل‌اند و گمان می‌کنند که روزهای آسایش، نشان لطف و یژه خداوند به آنان است؛ «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ» (فجر، آیه ۱۵)؛ اما آدمی را چون پروردگارش بیازماید و او را گرامی دارد و نعمتش دهد، گوید: پروردگرم مرا گرامی داشت؛ [چون شایسته این گرامی داشت بودم]» (محمدرضا نوری، ۱۳۸۳، ص ۳۰۲).

با توجه به بیماری مسری و فراگیر کرونا و پرسش‌ها و شبهات پیرامون آن، بایسته است سنت الهی ابتلا از منظر قرآن بازخوانی شود و با تحلیل و تبیین آیات قرآن، پاسخ‌های مناسب ارائه گردد.

تحلیل قرآنی مفهوم بلا

واژه «بلا» در زبان عربی، به معنای آزمایش و امتحان آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۲۶). این واژه، در زبان فارسی به مفهوم سختی، گرفتاری، مصیبت، آفت، ستم و بدبختی ای است که ناگهانی و بی سبب، دامگیر انسان می‌شود (فرهنگ معین، واژه «بلا»).

بلا و مصیبت، دو گونه است: طبیعی و بشری. بلاهای طبیعی مانند: سیل، زلزله، رانش زمین و ریزش کوه، و بلاهای بشری مثل: جنگ، قتل و غارت و بیماری‌های دست‌ساخته بشر (ترور بیولوژیک). بر اساس آموزه‌های قرآنی و توحید افعالی، همه بلاها از جانب خداوند است: «وَإِنْ تُصِيبُهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ (نساء، آیه ۷۸)؛ و اگر خوبی به آنان رسد، گویند: این از نزد خداست و اگر بدی به آنان رسد، گویند: این از نزد توست. بگو: همه از نزد خداست.» بنابراین، همه بلاها در هندسه مقدرات الهی و قضا و قدر قرار می‌گیرد؛ اما تردیدی نیست که در وقوع برخی بلاها مانند جنگ‌ها، اراده و اختیار انسان نقش دارد؛ از آن‌رو که بر مبنای حکمت الهی و اراده تکوینی خداوند، انسان در تعیین سرنوشت خود آزاد است. در گزاره‌های قرآنی، به این نکته اشاره شد است که گناهان انسان، در نزول بخشی از بلاهای طبیعی همچون بارش‌های سیل‌آسا، زلزله، قحطی و مانند اینها، تأثیرگذار است؛ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (روم، آیه ۴۱)؛ فساد و تباهی (زلزله و طوفان و قحطی و بیماری و جنگ و قتل و ناامنی)، در خشکی و دریا آشکار شد؛ به واسطه آنچه دست‌های مردم [از گناهان بزرگ] فراهم آورده، تا [خداوند کیفر دنیوی] برخی از آنچه را انجام داده‌اند، به آنها بچشانند؛ شاید بازگردند.»

بنابراین، حتی با این فرض که بیماری کرونا نمونه‌ای از جنگ‌های بیولوژیک و جنایتی هولناک از سوی نظام سلطه باشد، تصمیم و اقدام آنان، هرگز بیرون از قلمرو قضا و قدر الهی و

سنت ابتلا نخواهد بود؛ زیرا بر اساس آموزه‌های قرآنی، همه رخدادهای تلخ و شیرین پیرامون انسان، در حقیقت، تحقق سنت مطلق آزمون الهی است؛ «وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (اعراف، آیه ۱۶۸)؛ و آنها را با خوشی‌ها و ناخوشی‌ها آزمودیم؛ باشد که [به سوی حق] بازگردند. و یا در آیه دیگر می‌خوانیم: «وَنَبِّئُكُمْ بِالسَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِنَّا تُرْجِعُونَ» (انبیاء، آیه ۳۵)؛ و شما را با بدی و خوبی (مرض و صحت و فقر و ثروت) می‌آزماییم و به سوی ما بازگردانده می‌شوید. هدف این سنت الهی، سنجش گوهر انسان‌ها و میزان پاکی باطن انسان، در مسیر زندگی است؛ «وَ لِيُنَبِّئَكُمُ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ» (آل عمران، آیه ۱۵۴)؛ و تا خدا آنچه را در سینه‌های شماست (نیت‌های شما را) بیازماید و آنچه را در دل‌های شماست (ایمان شما را) خالص گرداند.»

آزمایش الهی به خیر و شر

خیر و شر، از دو منظر طبیعی و توحیدی، دو تعریف متفاوت دارند. از نگاه طبیعی یا مادی، خیر به اموری اطلاق می‌شود که لذت، آرامش، شادمانی و سلامت مادی آدمیان را تأمین کند و شر، مجموعه عواملی است که محرومیت از لذت، آرامش، شادمانی و سلامت ظاهری انسان را در پی دارد؛ اما در نگرش توحیدی و فرامادی، شرور اموری‌اند که مانع شکوفایی استعدادهای انسان و رستگاری ابدی او می‌شود و در برابر آن، خیر به مجموعه عواملی گویند که انسان را در نیل به کمال و رهایی از عذاب قیامت یاری می‌دهد.

شروری که به واسطه گناه، دامن‌گیر فرد یا جامعه می‌شود، برای گناهکاران، آزمون مجازاتی است و برای غیرگناهکاران، آزمون تنبیهی، بیدارباش و مایه تعالی است. سنت ابتلا در امور خیر نیز جاری می‌شود و خیرهایی که نصیب انسان‌ها می‌شود، آزمون الهی خواهند بود. در قرآن کریم ضمن بازگویی آزمون خیر و شر، باصراحت، این سنت الهی به خداوند نسبت داده شده است؛ «وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ» (اعراف، آیه ۱۶۸) و «وَنَبِّئُكُمْ بِالسَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً» (انبیاء، آیه ۳۵). بنا بر سنت ابتلا، هنگامی که رفتارهای حاکمی ستمگر موجب فراگیر شدن فقر و نابرابری می‌شود، بدون تردید، وجود حاکم ستمگر و فقر و نابرابری، در هندسه مقدرات الهی بوده و نمونه‌ای از آزمون‌های الهی برای همه افراد آن جامعه است؛ مقابله با ستمگری، شکیبایی در برابر فقر و دستگیری نیازمندان، به معنای موفقیت در این آزمون است. این اصل قرآنی، شامل

هرگونه عذاب طبیعی مانند: سیل، طوفان، زلزله و یا گرانی نیز می‌شود. هدف آفرینش جهان، خلق موجودی آزاد و مختار است؛ موجودی که با انتخاب آگاهانه خود، مراحل کمال و تعالی یا مسیر سقوط و هلاکت را طی خواهد کرد؛ «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ (انفال، آیه ۴۲)؛ تا هرکه هلاک می‌شود، از روی حجت و برهان هلاک گردد و هرکه زندگی [معنوی] می‌یابد، از روی حجت و برهان زندگی یابد.» و یا آنجا که می‌فرماید: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ (کهف، آیه ۲۹)؛ و بگو: حق، آن است که از جانب پروردگار شماست. پس هرکس خواست، ایمان بیاورد و هرکس نخواست، کفر ورزد.» برپایی چنین هدفی، تنها با وجود نظامی آمیخته با خیر و شر یا خوب و بد میسر می‌شود. پاسخ اساسی و اجمالی قرآن، به چرایی وجود شرور در عالم، این است که وجود دوگانه خیر و شرور، از ملزومات هدف آفرینش انسان است. بدیهی است که بدون رنج، سختی و ترس، آزمون، بی‌معنا خواهد بود؛ چنان‌که پاداش و مجازات نیز خردپذیر نخواهد بود.

اهداف نزول بلا

سنت آزمون، از سنت‌های مطلق و تخلف‌ناپذیر الهی است و همه حوادث تلخ و شیرین پیرامون انسان، آزمون الهی‌اند؛ «إِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (مؤمنون، آیه ۳۰)؛ ما قطعاً [همه انسان‌ها را] می‌آزماییم.» سوره عنکبوت با پرسشی همراه با توییح آغاز می‌شود: «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتَزَكَّوْا أَنْ يَقُولُوا ءَٰمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (عنکبوت، آیه ۲)؛ آیا مردم پنداشته‌اند همین که [به زبان] گویند ایمان آوردیم، آنان را وای گذارند (رها می‌کنند) و آزموده نمی‌شوند؟» و خداوند بی‌درنگ، به این پرسش پاسخ می‌دهد: «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَٰذِبِينَ (عنکبوت، آیه ۳)؛ و هرآینه کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمودیم و همانا خداوند کسانی را که راست گفتند، می‌شناسد و دروغگویان را نیز می‌شناسد.» قرآن، بیماری و سلامت، غم و شادی، امنیت و ناآرامی را چهره‌های متفاوت آزمون الهی می‌داند. (انبیاء، آیه ۳۵) افزون‌بر آن، در منابع اسلامی برای هریک از بلاها، اهداف دیگری نیز بیان شده است:

هدف نخست، مجازات مجرمان لجوج و فرورفته در لذت و کامجویی (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۳۷۸).

هدف دوم، تنبیه و تذکار کسانی که به‌رغم برخورداری از ایمان و پایبندی به برخی مظاهر آن،

خدا و آخرت را فراموش کرده‌اند و از روح ایمان تهی بوده و یا سهمی بسیار ناچیز از ایمان دارند (اعراف، آیه ۱۶۸).

هدف سوم، سنگ محکی برای سنجش عیارِ مدعیان ایمان، در مواجهه با مرگ و مشکلات اجتماعی. در برخی روایات آمده است در آخرالزمان برای شناسایی مؤمنان واقعی، بلاها و اتفاقات گوناگونی رخ می‌دهد و تنها با شکیبایی در برابر سختی‌ها و با تسلیم شدن در برابر تقدیر الهی، می‌توان مؤمن راستین را بازشناخت و باریابی به کمال و تعالی، تنها از این رهگذر دست‌یافتنی است (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۸، ص ۲۷۶).

شکیبایی، در برابر بی‌صبری، بی‌قراری، شتاب و تعجیل به‌کار می‌رود. بنابراین، زمان برطرف شدن بلا و سختی و نیز زمان استجاب دعا را باید به خداوند حکیم واگذار کرد؛ چون تأخیر استجاب دعا نیز بر اساس مصلحت بندگان و حکمت و آزمون الهی توجیه می‌شود. به این نکته در آیه‌های قرآن نیز اشاره شده است (بقره، آیه ۲۱۴).

هدف چهارم، به رخ کشیدن قدرت بلامنازع خداست؛ آن هم در جهانی که دستاوردهای فراوان و شگفت دانش بشری و فناوری‌های اعجاب‌انگیز آن، موجب شده تا انسان معاصر با اتکا به دانش اندک خود (اسراء، آیه ۸۵)، قدرت و عظمت خدا و ضعف، ناتوانی و نیازمندی (ر.ک: فاطر، آیه ۱۵) خویش به آفریننده جهان و انسان را فراموش کند؛ «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (نساء، آیه ۲۸). نزول بلاهایی مانند کرونا، چالشی از سوی خداوند برای بیداری و هشیاری انسان‌هایی است که از پیشرفت و گسترش دانش‌های بشری مغرور و سرمست‌اند و خود را مالک و متولی بلامنازع جهان می‌پندارند و دستاوردهای دانشی و تکنولوژی تمدن معاصر را از نشانه‌های دولت و شوکت خود می‌انگارند.

هدف پنجم: بر اساس برخی روایات، شدت بلا و سختی آن، از ملزومات پاداش بزرگ و از نشانه‌های محبت خداوند به بندگان محبوب و شایسته است؛ «إِنَّ عَظِيمَ الْأَجْرِ لَمَعَ عَظِيمِ الْبَلَاءِ وَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۴، ص ۲۴۰)؛ همانا اجر بزرگ، با بلا بزرگ همراه است و خداوند هیچ قومی را دوست نداشت، مگر اینکه آن قوم را به بلا مبتلا کرد.»

راهبردهای قرآنی رویارویی با ابتلا و آزمون‌های الهی

در زندگی انسان‌ها، گریزی از سنت آزمون نیست و راه موفقیت و سربلندی، پذیرش این حقیقت

و شکیبایی در برابر سختی‌های آن و سپاسگزاری درباره نعمت، آرامش و سلامتی است. قرآن با برشماری برخی واقعیت‌های سخت و تلخ زندگی و نیز لزوم شکیبایی، به نتایج شیرین آن اشاره می‌کند: «وَلْيَبْلُوكُمْ بَشْيَءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿۱۵۷﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ ﴿۱۵۸﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (بقره، آیه ۱۵۵-۱۵۷)؛ و حتماً شما را به اندکی از ترس و گرسنگی و کاهشی از مال‌ها و جان‌ها و محصولات (درختان یا ثمرات زندگی از زن و فرزند) آزمایش خواهیم نمود و شکیبایان را مژده ده؛ همان‌هایی که چون مصیبتی بر آنها وارد شود، گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت. آنها هستند که بر آنها درودها و رحمتی از جانب پروردگارشان می‌رسد و آنان هستند که رهیافته‌اند.»

در قرآن برای رویاروی با آزمون‌های الهی، راهبردهایی پیشنهاد شده است. در ذیل، به آنها اشاره می‌شود.

۱. پرهیز از شتاب‌زدگی، سطحی‌نگری و پیش‌داوری

شُرور و بلايا (بحران‌های طبیعی یا انسانی)، دارای ابعاد فراوانی می‌باشند. نگاه تک‌بعدی به آنها، ممکن است به برداشت‌های نادرست و تعارض باورهای دینی انجامد و فرصتی را برای شیاطین و دین‌ستیزان فراهم آورد. هرگز نباید در داوری نسبت به این حوادث شتاب کرد. پیش‌تر اشاره شد که هریک از آزمون‌های شر و خیر، با اهداف گوناگونی از سوی خداوند نازل می‌شود. بنابراین، ممکن است بلای کرونا، برای عده‌ای مجازات و انتقام رفتارهای نادرست آنان باشد و برای عده‌ای دیگر نیز بهانه‌ای برای شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های بندگی باشد.

تحول شناخت‌ها، باورها، میل‌ها و رفتارها، از ملزومات مقابله با این بیماری است. تحول شناختی و اعتقادی، یعنی باورداشت این اصل توحیدی که ویروس بسیار کوچک کرونا بر اساس حکمت الهی، مأموریتی را که از سوی خداوند به او واگذار شده، انجام می‌دهد. رازآلودگی و تعدد اهداف آزمون‌های الهی، داوری قطعی درباره آن را تقریباً ناممکن می‌کند. بنابراین، هرگز نمی‌توان نزول بلایای آسمانی را معیاری قطعی برای مجازات گناهکاران دانست.

۲. توجه به بهداشت روانی

نزول بلاهای سخت و فراگیر، بستری مناسب برای بروز التهاب و آسیب‌های اجتماعی، سیاسی،

اقتصادی، به‌ویژه آسیب‌های روان‌شناختی است. پاسداری از سلامت جامعه، نیازمند اقدامات پیش‌گیرانه، هوشمندانه و تخصصی و جهادی در عرصه‌های مختلف اجتماعی خواهد بود. بهداشتِ روانی، از مهم‌ترین الزامات مواجهه منطقی و مؤثر در برابر شیوع عوامل اضطراب‌زا و هولناک است. قرآن کریم یاد خدا را اثربخش‌ترین عامل زدودن ترس و اضطراب می‌داند: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، آیه ۲۸).

۳. دعا و توسل

در نظام‌های توحیدی، دعا و راز و نیاز با آفریننده جهان و توسل، یکی از ابزارهای مؤثر در برابر آموزن‌های سخت و شر است. پیشوایان معصوم از ما می‌خواهند که حتی نیازهای کوچک خود مانند نمک غذا را از خدا درخواست کنیم (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۴).

در منطق قرآن، برای استجاب دعا، بر حالت اضطراب و یأس درخواست‌کننده از غیر خدا تأکید شده است: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ» (نمل، آیه ۶۲)؛ [آیا آن شریکان بهترند، یا کسی که [دعای] شخص گرفتار را هنگامی که او را می‌خواند، پاسخ می‌دهد و آسیب و گرفتاریش را برطرف می‌سازد؟] اضطراب، پس از اقدام، تلاش و ناامیدی از اسباب مادی، معنا می‌یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۳۸۱).

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب، ضمن توصیه همگان به عمل به دستورعمل‌های متخصصان برای پیشگیری از شیوع ویروس کرونا و مصداق عمل حسنه دانستن انجام این توصیه‌ها، مردم را به توسل و توجه به پروردگار فراخواند و بر قرائت دعای هفتم صحیفه سجادیه (يَا مَنْ تَحُلُّ بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ وَ يَا مَنْ يُفْتَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ) تأکید نمود (پایگاه آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی: ۱۳۹۸/۱۲/۱۳).

علامه جوادی آملی در روزهای آغازین بحران کرونایی، به تحلیل آزمون الهی پرداخت و ضمن اشاره به اصل اسلامی دعا و نیایش، یادآور می‌شود که درخواست یک موحد، هرگز رد نمی‌شود؛ هرچند ممکن است بر اساس حکمت و مصلحت الهی، استجاب آن با تأخیر انجام گیرد. دعای افراد مبتلا و بیمار و دعای نزدیکان آنها که سختی بسیاری را در بیماری عزیزان خود تحمل می‌کنند، خیلی مؤثر است (وبگاه آیارات).

پس از نزول آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق،

آیه ۲ و ۳؛ و کسی که از خدا پروا کند، برای او راه خروجی [از مشکلات] قرار می‌دهد و او را از راهی که گمان نمی‌برد، روزی می‌دهد»، برخی مسلمانان دست از کار و تلاش شستند و به عبادت روی آوردند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: هرگز دعای چنین افرادی مستجاب نخواهد شد. بنابراین، از آنان خواستند تا برای کسب روزی تلاش کنند. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «الْكَاذُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۸)؛ کسی که در راه تأمین مخارج خانواده‌اش زحمت می‌کشد، مانند مجاهد در راه خداست.»

شایان توجه است که از منظر قرآن، اتکا به نظام علی، به معنای انکار قدرت الهی نیست و انسان مؤمن قرآن‌باور، در هر حال خداوند را منشأ اثر می‌داند و اعتقاد راسخ دارد که خواست و اراده الهی، گاه با وساطت عوامل مادی و نظام اسباب و مسببات و در مواردی نیز با ابزارهایی چون شفاعت پاکان و دعا انجام می‌گیرد (وبگاه آپارات).

تبیین رابطه علم و دین در مواجهه با آزمون‌های سخت

برخی تنها راه مبارزه با هر عامل بیماری‌زا را رعایت اصول بهداشتی و درمان پزشکی و دارویی دانسته و دعا و توسل را اموری بی‌اثر و باورهای خرافی می‌دانند که نقشی در پیش‌گیری و درمان نخواهند داشت و تأکید می‌کنند که دل‌بستن به دعا، موجب بی‌اعتنایی به روش‌های علمی و داده‌های پزشکی و تأخیر در کنترل و ویروس و درمان بیماری است! بر اساس آموزه‌های قرآنی، در کنار نظام علی حاکم بر جهان مادی، اراده و قدرت بلامنازع خداوند نیز در شرایطی ویژه، بدون واسطه امور مادی، تأثیرگذار خواهد بود. دعا در هنگام اضطرار و استجاب آن از سوی خداوند، از این موارد است که نمونه‌های فراوان آن در قرآن آمده است (آل‌عمران، آیه ۳۷).

بدیهی است که نمی‌توان، آلودگی محیطی، غذایی یا آزمایشگاهی را در پیدایش بیماری انکار کرد و رعایت اصول بهداشتی و تقویت سیستم ایمنی بدن را برای کنترل و درمان بیماری نادیده گرفت. از منظر دین، حفظ سلامتی، واجب شرعی و رعایت دستورات بهداشتی پیش‌گیرانه و درمانی و نیز مراجعه به پزشک و لزوم عمل به توصیه‌های پزشک، از ضرورت‌های عقلی و مورد تأکید است (بقره، آیه ۱۹۵). بر اساس برخی روایات، یکی از انبیا بیمار می‌شود و می‌فرماید: «خود را درمان نمی‌کنم تا پروردگارم مرا شفا دهد.» اما خداوند به او وحی کرد: «شفایتم نمی‌بخشم، تا اینکه خود را درمان کنی که شفا، از من است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۲، ص ۶۶).

منابع دینی ضمن اذعان به اهمیت و ضرورت دستاورد دانش‌های تجربی، و نقش آن در سلامت و بهداشت، این حقیقت را نیز یادآور شده است که دانش تجربی، ابزارهای لازم را برای انکار نقش عوامل فرامادی در اختیار ندارد. از این رو، نمی‌تواند تأثیر عواملی چون گناه را در پیدایش بیماری و نیز نقش استغفار، توبه، دعا و توسل را در پیش‌گیری، کنترل و درمان، انکار کند.

آموزه‌های قرآنی، افزون بر تأیید نقش علل و اسباب مادی در پیدایش پدیده‌ها، بر اساس توحید افعالی، خدا را منشأ اثربخشی همه علل و اسباب عادی و غیرعادی می‌داند؛ چنان‌که در قرآن با صراحت، شفابخشی عسل گزارش شده است؛ «فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (نحل، آیه ۶۹)؛ در حالی که در برخی آیات، درمانگری و شفابخشی به خداوند نسبت داده شده است: «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (شعراء، آیه ۸۰). بدیهی است این دو معنا، با یکدیگر در تعارض نیستند؛ چون خداوند خالق هر چیز است و به هر چیز، خاصیت و اثری بخشیده است. در شماری از آیات، خندانند، گرایاندن، میراندن و زنده کردن، به خدا نسبت داده شده است: «وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى * وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا» (نجم، آیه ۴۴ و ۴۳).

قرآن بسیاری از پدیده‌های جهان هستی مانند: رویدن گیاه (اعراف، آیه ۵۸)، تأثیر جادو (بقره، آیه ۱۰۲)، مرگ انسان (آل عمران، آیه ۱۴۵)، ایمان آوردن (یونس، آیه ۱۰۰)، معجزات پیامبران (رعد، آیه ۳۸)، مصائب انسان‌ها (تغابن، آیه ۱۱)، جاودانه شدن در بهشت و جهنم (ابراهیم، آیه ۲۳)، و نظیر اینها را به «اذن» و اراده خدا نسبت می‌دهد. قرآن تأکید می‌کند که هیچ حادثه طبیعی و فراطبیعی، جز با اذن و اراده تکوینی الهی رخ نمی‌دهد. به این نکته، در آیه‌های ۷۸-۸۱ سوره شعراء از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام تصریح شده است: «الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ * وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ * وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ * وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ». به بیان دیگر، بر اساس نظام اسباب و مسببات، بیماری‌زایی و ویروس و درمانگری دارو، به واسطه ویژگی‌ای است که خدا در این اسباب نهاده است و زمانی که مصلحت الهی اقتضا کند، خداوند آن اثر را زایل می‌کند و آتش سوزان به بوستان تبدیل می‌شود؛ «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (انبیا، آیه ۶۹)؛ گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت باش.»

قرآن کریم تأکید می‌کند که علل فرامادی مانند: استغفار، توبه، شفاعت و دعا، بی‌هیچ تفاوتی همچون اسباب مادی، اثربخش و خلل‌ناپذیر خواهد بود. علامه طباطبایی ذیل آیات ۲ و

۳ سوره طلاق (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا) می‌گوید: بر اساس این آیات، خداوند همواره برای پارسایان راهی برای گریز از بن‌بست‌ها می‌گشاید و به آنان از راه‌های پیش‌بینی نشده روزی می‌رساند و کسانی که به خدا توکل کنند، خدا آنان را کفایت خواهد کرد. علامه طباطبایی در تبیین رابطه فراز پایانی آیه سوم سوره طلاق (إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا) با فرازهای پیشین می‌نویسد: در این فراز پایانی، به رابطه میان عوامل معنوی و معلول‌های آنها و ضروری و دائمی بودن این رابطه، اشاره شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۱۴).

برخی معجزات بازگوشده در قرآن، برای اثبات نبوت انبیا و اتمام حجت و برخی نیز به منظور دفاع از موجودیت دین و مؤمنان و یاری آنها در مقابل کفر و شرک است (حج، آیه ۳۸). دفاع از دین، گاهی از راه علل و اسباب طبیعی و در شرایطی نیز با معجزات است؛ چنان‌که خداوند به نوح عليه السلام فرمان می‌دهد برای نجات خود و پیروانش از توفان، کشتی بسازد (اعراف، آیه ۶۴). لوط عليه السلام و خانواده‌اش پیش از نزول عذاب، توسط فرشتگان آگاه شدند و شهر را ترک نمودند (هود، آیه ۸۱ و ۸۲). یوسف عليه السلام توسط کاروانیان از چاه و بعدها به واسطه تعبیر خواب پادشاه، از زندان نجات می‌یابد (یوسف، آیه ۱۹ و ۴۶-۵۶). پیامبر اکرم و مسلمانان با دعوت، بیعت و یاری مردم مدینه و هجرت به شهر، از کشته شدن نجات می‌یابند (فتح، آیه ۷-۱۰). مساجد و معابد خداپرستان معمولاً توسط مؤمنان و بر مبنای آموزه‌های دینی در برابر خطرها و تهدیدها حراست و حفظ می‌شوند (حج، آیه ۴۰)؛ اما زمانی که هیچ راه طبیعی برای نجات اصل موجودیت دین و مؤمنان فراهم نیست، معجزه راهگشا خواهد بود. سرد و بی‌اثر شدن آتش بر ابراهیم (انبیاء، آیه ۶۸-۷۰)، شکافتن دریا برای موسی عليه السلام و پیروانش و غرق شدن فرعون و سپاهیان وی در برابر دیدگان آنها (بقره، آیه ۵۰)، جاری شدن چشمه از سنگ، سایه افکندن ابرها و آمدن منّ و سلوی (غذا) برای آنان در بیابان (بقره، آیه ۵۷ و ۶۰)، نمونه‌هایی از امداد خارق‌العاده الهی است.

نقش سختی‌ها و جایگاه آن در مراحل تربیت قرآنی

هدایت و تربیت انسان‌ها در قرآن، بر اساس مراحل گوناگون و ابزارهای متنوعی انجام می‌گیرد. آگاهی‌بخشی، بشارت و انداز، سختی‌ها و مصائب، نمونه‌هایی از این مراحل و ابزارهاست.

۱. آگاهی بخشی نسبت به خوبی و بدی

برای مقابله با سختی‌ها، پیش از هر چیز، نیازمند شناخت خوبی‌ها و بدی‌ها هستیم. حس، فطرت، عقل، شهود و وحی، منابع شناخت‌های ما هستند. در این میان، معتبرترین و اطمینان‌بخش‌ترین شناخت‌های ما، شناخت‌های وحیانی است که هرگز محل شک و تردید نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۷).

فرستادگان الهی، در حقیقت، معلمان و مربیان بشر هستند. آنان حقایقی را به ما می‌آموزند که تجربه و عقل بشری قادر به درک آن نیست؛ «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره، آیه ۱۵۱). از مهم‌ترین تعلیمات قرآنی، معرفی خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی است. قرآن ضمن معرفی خوبی و بدی، به مؤمنان دستور می‌دهد که خوبی‌ها را انجام دهند و از بدی‌های پرهیز کنند و دیگران را نیز به خوبی‌ها تشویق نمایند و از بدی‌ها منع کنند (اعراف، آیه ۱۵۷). با توجه به اهمیت آگاهی در فرایند تربیت قرآنی، در این کتاب آسمانی، غفلت و فراموشی، بزرگ‌ترین آسیب اخلاقی معرفی شده است (اعراف، آیه ۱۷۹).

۲. بشارت و انذار

برای انجام خوبی‌ها و موفقیت در آزمایش الهی، شناخت‌های انسان به‌تنهایی کافی نیست؛ زیرا در بسیاری از حرام‌ها، لذت و جذابیت و سوسه‌انگیزی وجود دارد و آدمی به‌رغم آگاهی از عواقب نامطلوب آن، به‌سوی انجام حرام ترغیب می‌شود. ازاین‌رو، فرستادگان الهی افزون بر تربیت و تعلیم، برای ایفای رسالت خود، گرایش‌های عاطفی انسان را نیز مدار توجه قرار می‌دهند و دو عنصر «بشارت» و «انذار» را به‌کار می‌گیرند. بدیهی است که فراموشی و غفلت موجب می‌شود آدمی در ابتلا و امتحان‌های الهی مردود شود و نیز با اتکا به دو عنصر «بشارت» و «انذار» (همچون شوق به بهشت و ترس از عذاب جهنم)، انگیزه آنان را در پیمودن مسیر کمال افزایش دهند. به همین جهت، انذار و بشارت، از مهم‌ترین ابزار توفیق پیامبران و از راهبردهای اساسی تربیت وحیانی است؛ راهبردی که در قرآن تأکید فراوانی شده است: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» (نساء، آیه ۱۶۵).

۳. مصیبت‌ها و سختی‌ها

سنت ابتلا به سختی‌ها، از مؤثرترین اصول تربیتی قرآن است که در کنار اصولی چون: تعلیم، تفسیر، بشارت و انذار، نقش بی‌بدیلی در تغییر و تحول افکار و رفتار انسان دارد. اگرچه در نگاه ابتدایی و سطحی سختی‌ها، تحمل‌ناپذیر و نامطلوب می‌نمایند، اما به‌رغم ناسازگاری با طبیعت آدمیان، تأثیری شگرف در تعالی و سعه وجودی انسان خواهند داشت. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره، آیه ۲۱۶)؛ بر شما کارزار [با کفار] نوشته و مقرر شد و حال آنکه برای شما ناخوشایند است و بسا چیزی را خوش نداشتید و آن برای شما بهتر است و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بدتر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.» بر اساس گزاره‌های قرآنی، همه پیامبران الهی در طول رسالت خود، با سختی‌های فراوانی روبه‌رو شده‌اند. به این نکته، در دو سوره اعراف و انعام اشاره شده است:

– «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ» (انعام،

آیه ۴۲)؛ و به یقین، ما به‌سوی امت‌هایی پیش از تو [پیامبرانی] فرستادیم. پس، آنها را به فقر و تنگدستی و بیماری و رنج بدنی گرفتار کردیم. شاید [به درگاه ما] خضوع و زاری کنند.»

– «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ» (اعراف،

آیه ۹۴)؛ و ما در هیچ شهر و روستایی پیامبری نفرستادیم؛ مگر آنکه اهل آنجا را به مرض و سختی و فقر و تنگدستی دچار کردیم. باشد که [به درگاه ما] تضرع و زاری کنند.»

شکر در برابر سختی‌ها

بنا بر آموزه‌های وحیانی، عبادت و بندگی، هدف آفرینش انسان و عامل تعالی و تکامل انسان است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، آیه ۶۵)؛ و جن و انس را نیافریدم، مگر برای آنکه مرا پرستش کنند.» خاستگاه و منشأ عبادت، «بندگی» است. بندگی، با اذعان و اقرار انسان به فقر و نیازمندی دائمی خود به خداوند آغاز می‌شود؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر، آیه ۱۵)؛ ای مردم! شما باید نیازمندان به خدا، و خدا بی‌نیاز و ستوده است.» از شرایط بندگی، سپاس‌گزاری در برابر نعمت‌ها، تلاش برای نگهداری نعمت و رشد و فزونی آن است. نعمت‌های الهی به دو نوع «مادی» (مانند: اعضا و جوارح، زمین و آسمان، آب

و خاک) و «معنوی» (مانند: انبیای الهی، جانشین آنان، عالمان، علم، ایمان و تقوا) تقسیم می‌شود. بندگی، دارای مراحل و مدارج فراوانی است و آدمی با «شکر» قلبی، زبانی و عملی در برابر نعمت‌ها، به مراتب عالی کمال ارتقا می‌یابد و از فزونی نعمت برخوردار می‌شود؛ «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم، آیه ۷)؛ اگر سپاس گزارید، شما را [نعمت] بیفزایم و اگر ناسپاسی کنید، عذاب من سخت است.»

بهره‌وری مطلوب از نعمت‌ها، بالاترین حد سپاس‌گزاری است و آن، به‌کارگیری نعمت‌ها در مسیر خشنودی آفریننده نعمت‌هاست. پیش‌تر بیان شده که در نظام تربیتی قرآن، بلا و سختی، یکی از نعمت‌های الهی است. از این‌رو، برخی بندگان شایسته خدا با درک این اصل قرآنی، در برابر بلا یا بیش از اینکه شکیبیا و صابر باشند، سپاس‌گزار و شاکرند. در فراز پایانی زیات عاشورا و در سجده شکر می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَيَّ مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ عَظِيمٌ رَزِيَّتِي» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۸، ص ۲۹۲). اما این نکته، نیازمند تأمل است که چگونه می‌توان از حوادثی که با درد و رنج و ناآرامی همراه است، خشنود و سپاس‌گزار بود. باریابی به این مقام والای اخلاقی، تنها در پرتوی نظام تربیتی قرآن امکان‌پذیر است.

سنت ابتلا و عذاب الهی

بلا و سختی، هشدارهای بازدارنده خداوند به کسانی است که از جایگاه انسانی خود غافل شده و هدف آفرینش آدمی را از یاد برده‌اند. آیات قرآن از گناهکارانی یاد می‌کند که چنان در فساد و تباهی فرورفته‌اند که آزمون‌های سخت نیز قادر نیست آنان را بیدار و هوشیار کند. قرآن با زبانی آمیخته با شگفتی و حسرت می‌فرماید: «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا (انعام، آیه ۴۳)؛ پس، چرا هنگامی که عذاب ما به آنها رسید، خضوع و زاری نکردند؟» خداوند چنین واکنشی در برابر سختی‌ها را ویژه کسانی می‌داند که قلب‌هایشان مانند سنگ و از سنگ سخت‌تر و انعطاف‌ناپذیر شده است؛ «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً (بقره، آیه ۷۴)؛ سپس، دل‌های شما پس از آن (معجزات)، سخت گردید و مانند سنگ‌پاره‌ها یا سخت‌تر شد.» اینان در واقع، چشم‌ها و گوش‌های خود را برای شنیدن حقیقت بسته‌اند؛ «صُمُّ بَكُمُ عَمِي فَهَمٌ لَا يَرْجِعُونَ» (بقره، آیه ۱۸). انذار الهی، هیچ تأثیری بر چنین کسانی نخواهد داشت؛ «وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (یس، آیه ۸-۱۰). اینان در مسیر انحطاط و تباهی، به پرتگاهی

هولناک سقوط می‌کنند که پیامبران رحمت الهی از هدایت آنان ناامید شده و مجبور می‌شوند برای آنان عذایی سخت و ویرانگر درخواست کنند. حضرت نوح علیه السلام پس از تلاش‌های شبانه‌روزی و تبلیغ پنهان و آشکار که چندین قرن ادامه داشت، از هدایت آنها ناامید شد. از این رو، نابودی قوم خویش را از درگاه الهی تمنا نمود؛ «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا» (نوح، آیه ۲۶)؛ و نوح گفت: پروردگارا! احدی از کافران را بر روی زمین باقی نگذار.» در ادامه، آن حضرت، علت تمنای خود را این‌گونه بیان می‌کند: «إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا؛ اگر آنها را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می‌سازند و جز بدکار کفرورزنده و کفران‌کننده‌ای زاد و ولد نمی‌کنند.»

نقش انسان‌شناسی و باورهای دینی در حوادث ناگوار

شماری از دین‌داران، نقش خداوند را به آفرینش جهان و مبادی آنها محدود می‌کنند و رخدادهای جاری جهان را معلول فاعل‌های مادی و انسانی می‌دانند و بر این باورند که خدای متعال، پس از آفرینش جهان بر اساس نظام علی، هیچ‌گونه تأثیری در پیدایش حوادث ندارد. این عده از دین‌داران، نوعی «تفویض» را در امور جهان پذیرفته‌اند و مدعی‌اند خداوند این امور را به انسان واگذارده است. آنان، قضا و قدر الهی را تا سرحد علم الهی تنزل می‌دهند و هرگونه تأثیرگذاری از سوی خداوند در امور انسان و جهان را نفی می‌کنند. بی‌تردید، این دسته از دین‌داران، از رخدادهای ناگوار راضی نخواهند بود؛ زیرا آن را برخاسته از مصلحت، حکمت و رحمت الهی نمی‌دانند. گروهی از موحدان، با اعتقاد به جبر، اساساً تأثیرگذاری انسان در رخدادهای انکار می‌کنند. نتیجه چنین تفکری، نپذیرفتن نقش انسان در رخدادهای فردی و اجتماعی و سلب اختیار از انسان است و حتی تسلیم در برابر ستم‌ستمرگان و حکومت‌های طاغوتی است. شماری نیز با برگزیدن راهی میانه (أمر بین الأمرین)، ضمن پذیرش تأثیر اراده الهی در آفرینش پدیده‌های تلخ و شیرین، نقش فاعل‌های متعدد را در طول یکدیگر پذیرفته و آن را واقعیت حاکم بر جهان هستی می‌دانند. منشأ تنوع دیدگاه‌های یادشده درباره رخدادهای تلخ و شیرین جهان را باید در تفاوت شناخت انسان‌ها از خدای متعال جست‌وجو کرد.

از دیگر عوامل تفاوت دیدگاه‌ها درباره رخدادهای تلخ، مراتب شناخت، ایمان و ظرفیت وجودی انسان‌هاست. پیش از رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی، رنج و شادی، خشم و

خشنودی انسان، مادی و حیوانی است؛ اما در پرتوی شناخت‌های متعالی، عبادت و بندگی، و با رشد عقلی و سعه وجودی، تحمل آدمیان نیز ارتقا پیدا می‌کند و اساساً معیارهای رنج و شادی نیز دگرگون می‌شود. با دگرگونی معیارها، عواملی که پیش از این، شادمانی فرد را فراهم می‌کرد، امروز او را شادمان نخواهد کرد؛ چنان‌که عوامل رنج و ناکامی نیز متفاوت خواهند شد. همه انسان‌ها دگرگونی معیارهای رنج و شادی را در مراحل مختلف زندگی خود تجربه می‌کنند. عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌ها، کودکان را غرق در شادی و نشاط می‌کند؛ اما همین انسان در سنین نوجوانی، بی‌هیچ حساسیتی از کنار اسباب‌بازی‌های محبوب دوران کودکی خود می‌گذرد و به رؤیاهایی متناسب با شرایط سنی خود می‌اندیشد و دل خوش دارد. این دگرگونی معیارها، در مراحل متعدد تا پایان عمر ادامه خواهد داشت؛ اما انسانی که از تنگنای معیارهای مادی رها شده و سودای لذت معنوی را در سردارد، می‌کوشد تا با شناخت‌های عمیق و گسترده و اشتداد ایمان، تحمل و شکیبایی خود را در برابر سختی‌ها فزونی بخشد. تا آنجا که برخی در مسیر عبادت و بندگی به مقامی بارمی‌یابند که کشته شدن در راه خدا را آرزو می‌کنند و مشتاق و بی‌تاب رنج و درد و مرگ در راه خدا می‌شوند. امام علی علیه السلام اشتیاق خود به مرگ و لقای الهی را این‌گونه فریاد می‌زند: «إِنِّي إِلَى لِقَاءِ اللَّهِ لَمُشْتَقٌّ» (نهج البلاغه، نامه ۶۲). و یا فرزند او، حسین علیه السلام، در ظهر عاشورا در آخرین لحظه‌های زندگی، با زبان تشنه و داغ‌های پُر شمار در سینه و زخم‌های فراوان بر تن، شادمان و سرمست این ابیات را زمزمه می‌کند:

تَرَكَتُ الْخَلْقَ طُرّاً فِى هَوَاكَا وَأُيْتَمْتُ الْعِيَالَ لِكَيْ أَرَاكَا

«همه خلایق را در هوای رسیدن به کوی تو رها کردم و برای خشنودی تو، یتیمی و بی‌سرپرستی زن و فرزندانم را پذیرفتم» (حائری محلاتی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۰).

از نکات مهم درباره کرونا، این رخداد تلخ و مهمان ناخوانده که جامعه بشری را در بهت و وحشت فرو برده، آن است که باور کنیم، این بیماری و حوادث مانند آن، با حکمت و رحمت مطلقه الهی هماهنگ است. گاهی خداوند افراد خواب و غافل را به وسیله این حوادث سخت، بیدار و هوشیار می‌کند. رسالت اصلی کرونا، آن است که دل‌های غافل را متوجه ذات پاک الهی کند (وبگاه آپارات).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، قم، نشر اسراء.
۴. حائری محلاتی، ۱۳۷۷، لهوف منظوم یا معراج المحجة، قم، دفتر نشر نوید اسلام.
۵. حلی، ابن فهد، ۱۴۰۷ق، عدة الداعی و نجاح الساعی، قم، دار الكتاب اسلامی.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق، دار العلم الشامیة.
۷. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، ۱۳۹۸، معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران، نشر موعود عصر.
۸. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۱۲. نوری، شیخ حسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۱۳. نوری، محمدرضا، ۱۳۸۳، بهداشت در قرآن، مشهد، انتشارات واقفی.